

انصار، مسلمانان یاور پیامبر ﷺ از قبیله‌های

اوس و خزرج مدینه^۱

روح‌الله محزی^۲

انصار جمع نصیر و ناصر از ماده «ن-ص-ر» به معنای یاری و کمک کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۰۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۱۰).

انصار در اصطلاح، بخشی از ساکنان مدینه، متشکل از دو قبیله یمنی الاصل اوس و خزرج بودند (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۷) که بعد از هجرت به حمایت از پیامبر ﷺ و مسلمانان برخاستند و گاهی به اعتبار جدّه‌شان، قیله، بنی قیله نیز خوانده می شدند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۰؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۸، ص ۳۳۲)، چنان که در خطبه حضرت فاطمه علیها السلام نیز بنی قیله خوانده شده‌اند (ابن طیفور، بی تا، ج ۱۸؛ جوهری، ۱۴۱۳، ص ۱۰۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۳).

از انس بن مالک نقل شده است که نخستین بار خداوند آنان را انصار نامید (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۲۱؛ ابن بکار، ۱۴۱۶، ص ۳۳۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۳۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۶۹)، به معنای یاران خدا و رسول، و مراد صحابه از کاربرد واژه انصار نیز همین معنا بوده است

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.

۲. پژوهشگر علوم دینی حوزه علمیه قم.

(ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۵۹؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱۰، ص ۸۴؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۶۰؛ ج ۱۵، ص ۸۳). آنان با شرکت در بیعت عقبه و یاری رسول خدا ﷺ، به این نام خوانده شدند و برای فخرشان همین بس که قبل از ایشان کسی به این اسم نامیده نشده بود (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۶۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۱۴). در اشعار صدر اسلام که به مناسبت تأسیس مسجد النبی در سال اول هجرت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۹۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۸۵) و حفر خندق در سال پنجم هجرت سروده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۴؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۲۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۷)، از واژه انصار در برابر نام مهاجران استفاده شده، و در شعری لقب انصار از سوی خداوند، مایه مباهات دانسته شده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۲۹۷، ۳۰۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۷۰).

واژه انصار نه بار در پنج آیه آمده که منظور از آن مطلق یاران است (بقره: ۲۷۰؛ آل عمران: ۵۲، ۱۹۲؛ مائده: ۷۲؛ صف: ۱۴؛ نوح: ۲۵) و در دو آیه به صورت «الانصار» آمده که منظور از آن انصار مدینه است (توبه: ۱۰۰، ۱۱۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۸۳، ۱۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۹). در آیه ۱۰۰ سوره توبه سبقت انصار در اسلام آوردن گزارش شده است. آیات دیگری نیز بدون تصریح به عنوان انصار، از ویژگی های آنان یاد کرده اند، از جمله آیات ۷۲ و ۷۴ سوره انفال و آیه ۹ سوره حشر که پناه دادن، یاری کردن، دوستی مهاجران، صفای دل و ایثار را از صفات انصار برشمرده اند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۶۲؛ ۹، ص ۳۹۳). آیه ۱۰۳ سوره آل عمران نیز درباره اوس و خزرج و در دعوت آنان به وحدت و پرهیز از تفرقه نازل شده است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۵؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۶).

به تصریح آیه ۹ سوره حشر، انصار هیچ گونه دل بستگی به اموالی که به مهاجران بخشیده بودند، نداشتند و آنان را بر خود ترجیح می دادند. از آنجاکه بیشتر رزمندگان جنگ های بدر و احد از انصار بودند، می توان گفت آیات ناظر به این دو نبرد (← مقاله های بدر؛ احد) نیز درباره نقش انصار و مجاهدت ایشان نازل شده است (ر.ک: ادامه مقاله). آیاتی نیز در نکوهش برخی از منافقان انصار نازل شده است (نساء: ۶۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸؛ توبه: ۷۵-۷۷، ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۸۱؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۹۷).

روایات مربوط به انصار، در منابع حدیثی (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۲۱؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰؛ ابن‌ماجه قزوینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷-۵۸؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۷۱؛ نسائی، ۱۴۰۵، ص ۶۷) و برخی تفاسیر (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۷۰؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۱۷-۳۱۸)، با عنوان‌های «مناقب الانصار»، «حب الانصار» و «فضل الانصار» آمده است. کتاب‌ها و تک‌نگاری‌های مستقلی نیز دربارهٔ نسب، مناقب و فضایل انصار نگاشته شده است. از جمله: فضائل الانصار از ابوداود سجستانی (صاحب سنن) (حاجی‌خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۷۴) و نسب الانصار از عبدالله بن محمد انصاری (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۸۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۶۲). در میان مورخان قدیم، کسانی چون واقدی (م. ۲۰۷ق)، ابو عبیده (م. ۲۱۰ق) و علان شعوبی (م. قرن ۲ق)، آثاری دربارهٔ اوس و خزرج و جنگ‌ها و عیب‌های آنان نوشته‌اند (ر.ک: ابن‌ندیم، ۱۳۹۳، ص ۶۰، ۱۱۱، ۱۱۸). تاریخ‌پژوهان معاصر نیز آثاری در زمینه بررسی تاریخی انصار تألیف کرده‌اند، از جمله: الانصار والرسول اثر ابراهیم بیضون، پژوهشی پیرامون انصار اثر غلامحسن محرمی، و مناسبات مهاجرین و انصار اثر حسین حسینیان مقدم، اما تحقیق قرآنی مستقلی در این باره انجام نشده است.

دائرةالمعارف قرآن راتلج مقالهٔ مستقلی دربارهٔ انصار ندارد و تنها در مقاله‌های «اسلام» (See: Atay, 2006, pp314-318) و «سابقه» (See: Afsaruddin, 2006, pp553-554) به صورت پراکنده به انصار پرداخته است. در دائرةالمعارف قرآن لایدن مقاله‌ای با عنوان «مهاجران و انصار» آمده که جایگاه انصار و نقش آنان در پیشبرد اسلام را بررسی کرده است (See: Al-Faruque, 2006, vol2, pp14-18). همچنین در مقالهٔ «برادر و برادری» از برادرخولندگی میان مهاجران و انصار (See: Mottahedeh, vol1, pp259-263) و در مقالهٔ «صحابهٔ پیامبر» از وجود انصار در میان یاران پیامبر (See: Kern, 2001, pp386-390) سخن به میان آمده است.

سابقهٔ تاریخی انصار پیش از اسلام: انصار (اوس و خزرج) بخشی از قبیلهٔ ازد یمن بودند که چهارصد (حمزه اصفهانی، ۱۰۱) یا پانصد سال پیش از بعثت (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳) به سبب خرابی سد مأرب در سیل عرم (سبأ: ۱۶؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۵-۲۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۷۱)، به یثرب (مدینه) هجرت کردند و با یهودیان

آنجا هم پیمان شدند (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۹). اوس و خزرج (انصار) به حدود چهل تیره تقسیم می شدند (ر.ک: ابن قتیبہ دینوری، بی تا، ص ۱۰۹-۱۱۱) که برخی از کتب تاریخ و نسب، به تفصیل از آنها نام برده اند (ر.ک: ابن قتیبہ دینوری، بی تا، ص ۱۰۹؛ مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۸، ص ۳۳۲-۳۶۶). محل سکونت اوس منطقه عوالی و قبا (شرق و جنوب و بلندی های مدینه) (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ ج ۴، ص ۱۲۹) و محل سکونت خزرج، منطقه سافله (مناطق مرکزی و غربی مدینه) (نهروانی، ۱۴۱۶، ص ۲۳) بود. آنان وضع مالی مناسبی نداشتند (مقدسی، ۱۴۱۱، ص ۳۴) و شغلشان کشاورزی و دامداری (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷؛ جواد علی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۴۱-۴۲، ۱۳۱) و گاه تجارت بود (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۴؛ جواد علی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۴۱). رسول خدا ﷺ اولین مسجد را در املاک اوسیان بنا کرد (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۶). در پیشینه تاریخی پادشاهان یمن (اجداد انصار) (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳)، احترام به کعبه و اطعام ساکنان و زائران آن گزارش شده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۰، ۲۳-۲۵؛ ازرقی، ۱، ص ۱۰۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۳۴). انصار پیش از اسلام به بت پرستی گرویده بودند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۴۸).

وضعیت فرهنگی انصار قبل و بعد از اسلام

انصار اهل شعر و ادب (هروی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۱؛ جمحی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۵، ۲۲۶) و علم و کتابت (مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۸؛ کورانی عاملی، ۱۴۱۸، ص ۲۳۴) بودند و برخی کاتبان صحابه از ایشان بودند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۴۳، ۳۵۴، ۳۷۸، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۶؛ ابن قتیبہ دینوری، بی تا، ص ۳۰۰؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ ← مقاله مدینه). در آن روزگار، شعر نزد عرب جایگاه مهم و والایی داشت (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲) و شاعران مشهوری در میان انصار می زیستند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۴۲). اشعار حماسی به یادگار مانده درباره جنگ ها و رشادت های انصار مدینه (اوس و خزرج) نشان دهنده وضعیت فرهنگی و ادبی ساکنان مدینه پیش از اسلام و نیز عصر هجرت رسول خدا ﷺ است (جمحی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۵).

۲۲۶؛ ← مقاله مدینه). پیامبر ﷺ از این ظرفیت و استعداد شاعران انصار بهره برد و آنان پشتیبان آن حضرت در مقابله با مشرکان بودند (ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۲). رسول خدای ﷺ نیز از آنان قدردانی کرد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۴؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۳) و شاعران مؤمن انصار را از نکوهش شاعران در قرآن «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء: ۲۲۴) مستثنا کرد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۹۹؛ ← مقاله مدینه).

از میان نویسندگان تمام قرآن و جمع‌کنندگان آن در زمان پیامبر ﷺ پنج نفر، از انصار بودند (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۳۲)، که بعدها خلیفه دوم سه تن از آنان (معاذبن جبل، عبادة بن صامت و ابودرداء) را برای تعلیم قرآن به منطقه شام فرستاد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۲). افزون بر مردان انصار، علاقه و شوق زنان آنان نیز به فراگیری فقه و معارف دین در سخنی از عایشه آمده است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۱؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۰؛ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ نووی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۹). آیه ۳۱ سوره نور حجاب زنان انصار پس از نزول آیه حجاب را تمجید کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۲، ۲۲۱). آغاز مسلمان شدن انصار: مسلمان شدن انصار، قبل از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه آغاز شد (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۳۱؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۱). در قرآن کریم (توبه: ۱۰۰) به پیشگامی انصار در اسلام همراه با مهاجران (توبه: ۱۰۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۷؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۸۷؛ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹۷) اشاره شده است. پیشگویی یهودیان ساکن مدینه مبنی بر ظهور پیامبری در مکه، از دلایل اسلام آوردن انصار شمرده شده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۲۹؛ ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۸). همچنین گفته‌اند عتبه بن ربیع، از بزرگان قریش، به دو تن از انصار خبر داد که پیامبری در مکه ظهور کرده است، و آنان را از ارتباط با او برحذر داشت، ولی آن دو در برخورد با رسول خدای ﷺ به حقانیت اسلام پی بردند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱).

برخی گزارش‌ها سویدین صامت اوسی (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱۹) یا ابوالحیسر و ایاس بن معاذ را اولین مسلمانان انصار دانسته‌اند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۲۰؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۶). به گزارش برخی (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۸) اول بار شش نفر از خزرجیان در موسم حج با پیامبر ﷺ دیدار کردند و اسلام را پذیرفتند (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۰)، و پس از بازگشت آنان به یثرب، خبر ظهور پیامبر ﷺ و دین اسلام به همه جا راه یافت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۳۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۱).

پیمان عقبه اول و دوم

در سال دوازدهم بعثت، دوازده نفر از انصار (ده نفر از خزرج و دو نفر از اوس) برای حج از یثرب به مکه رفتند و با پیامبر ﷺ پیمانی بستند که به پیمان عقبه اول یا بیعة النساء مشهور شد (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۳۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱)، زیرا در مفاد آن جنگ و جهاد نیامده بود و مانند بیعت زنان بود (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۱، ۴۵۴؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۵۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۴۸). به گزارش ابن اسحاق و دیگران، پس از بازگشت این افراد به یثرب، تعداد مسلمانان انصار به چهل نفر رسید (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۵؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۴). پس از مدتی انصار برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن و امامت نماز جماعت، از پیامبر ﷺ درخواست مبلغ کردند (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۹، ص ۴۰۷). رسول خدا ﷺ در پاسخ به این درخواست، مصعب بن عمیر کلبی را به مدینه فرستاد (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۴) که بر اثر خوش رفتاری و مهربانی او، تمام تیره بنی عبدالاشهل از اوس به اسلام گرویدند (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۷-۳۵۹).

یک سال پس از پیمان عقبه اول، هفتاد نفر دیگر از اوس و خزرج (انصار) به مکه رفتند و با پیامبر ﷺ پیمان بستند که از او همه جانبه حمایت کنند. این پیمان نیز به «عقبه دوم» مشهور شد (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۸-۴۴۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۷، ۲۰۱). در آیات ۷۲ و ۷۴ سوره انفال «... وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا... *... وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» واژگان «أوی» به معنای پناه‌دادن (راغب اصفهانی، ۱۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۵۱) و «نصر» به معنای یاری‌کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۱۰) بر این موضوع دلالت دارد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۵۶). برخی مفسران نیز مراد از «سابقین انصار» در آیه ۱۰۰ سوره توبه را حاضران در بیعت عقبه اول و دوم دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۱).

دعوت انصار از پیامبر ﷺ

از جمله زمینه‌های دعوت رسول خدا ﷺ به یثرب و حمایت همگان حتی غیرمسلمانان اوس و خزرج از این دعوت (← مقاله دعوت پیامبر ﷺ)، نیاز آنان به شخصی بی‌طرف، شناخته‌شده و مورد اعتماد برای حل کشمکش‌های طولانی‌مدت میان دو قبیله (آل عمران: ۱۰۳؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲-۲۴) بود (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷-۳۸). انصار از ابتدای بیعت با پیامبر ﷺ، هجرت آن حضرت به یثرب را پیشنهاد کردند، اما در پی مسلمان شدن شمار زیادی از مردم مدینه و باخبر شدن انصار از تنگنای پیش آمده برای پیامبر ﷺ، هفتاد تن از آنان نزد او رفتند و با عقد پیمان عقبه دوم رسماً از وی برای هجرت به یثرب دعوت کردند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۱). در مقابل، مشرکان مکه تصمیم بر جلوگیری از خروج پیامبر ﷺ از مکه یا تبعید وی داشتند و در نهایت تصمیم گرفتند او را بکشند (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۶؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۷۰؛ مسعودی، اثبات الوصیة، ۱۲۲)، لکن خداوند توطئه آنان را آشکار کرد (وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ) (انفال: ۳۰). بنا بر نقل ابن اسحاق، این آیه در همان روز توطئه‌چینی مشرکان ضد رسول خدا ﷺ نازل شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۴؛ ← مقاله‌های هجرت و مهاجران؛ مدینه). همچنین طبق نظر برخی مفسران، آیه ۷۶ سوره اسراء «لَيْسَتَفِرُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيَخْرُجُوكَ مِنْهَا» به هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه اشاره دارد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۸۹-۹۰؛ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۹۲؛ همو، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸۴).

ورود پیامبر ﷺ به مدینه

انصار منتظر آمدن پیامبر ﷺ به مدینه بودند. رسول خدا ﷺ ابتدا در منطقه قبا اقامت گزید و مسجد قبا را در آنجا بنا کرد (← مقاله مسجد قبا). ایشان در مدت اقامت خود در آن منطقه، در این مسجد نماز می‌گزارد (واقفی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۶۴) و در خانه سعد بن خثیمه انصاری ساکن بود (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۸۹). پس از ورود حضرت به مدینه، هریک از تیره‌های انصار می‌خواستند افتخار میزبانی رسول خدا ﷺ را داشته باشند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۳۹؛ مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۸؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۲). آن حضرت محله بنی‌نجار را برای بنای مسجد انتخاب کرد و سپس برای مدتی در منزل ابویوب انصاری مستقر شد (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۹۴-۴۹۶).

میزبانی انصار از مهاجران

به تصریح در قرآن، انصار افزون بر پیشگامی در قبول اسلام (توبه: ۱۰۰)، از ویژگی پای‌بندی به تعهدات خویش و یاری مهاجران (انفال: ۷۲، ۷۴) و مقدم کردن آنان بر خود (حشر: ۹) نیز بهره‌مند بودند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۷-۴۰؛ ۲۸، ص ۲۸؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۲؛ ۹، ص ۵۶۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۴۱). انصار با پذیرش مهاجران و میزبانی آنان، زمینه حضور اجتماعی و زندگی آنها را در یثرب فراهم کردند. پیامبر ﷺ در گزارشی رفتار انصار با مهاجران را به محبت ولدین به فرزندشان تشبیه کرده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۸۳). امیر مؤمنان علیه السلام نیز انصار را یاوران اسلام با دست‌های بخشنده و زبان‌های گویا و بُرنده و آماده‌کنندگان سرزمین ایمان (مدینه) معرفی کرده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۸، ص ۲۳۰)، حکمت ۴۶۵، ص ۱۰۶).

پیش از هجرت پیامبر ﷺ به یثرب، تعدادی از مهاجران در منطقه قبا و در خانه یکی از انصار مستقر شده بودند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۸۲؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۱). ابن‌اسحاق (ر.ک: ابن‌هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۷-۴۷۹)، قبیله‌هایی از انصار را که میزبان مهاجران شدند، نام برده است. برخی نیز از سکونت مهاجران به قید قرعه در منزل انصار و پذیرایی از آنان

خبر داده‌اند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۹؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۰۳؛ ج ۸، ص ۳۳۶). گزارش شده است که مردان و زنان انصار در ماه‌های نخست سکونت پیامبر ﷺ در مدینه برای او غذا می‌بردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۸۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۵) و برخی از بانوان انصار برای شیردهی به فرزند پیامبر (ابراهیم) با هم رقابت می‌کردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۸؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۴۵). بر پایه روایتی، شأن نزول آیه، مودت (شوری: ۲۳)، مباحث انصار بر مردم مکه به واسطه میزبانی رسول خدا ﷺ و حملیت از ایشان بوده است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۵، ص ۱۶-۱۷؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۱۲۱؛ مراغی، ۱۴۲۳، ج ۲۵، ص ۳۹). البته این برخلاف نظر مشهور در میان مفسران است که معتقدند آیه مزبور ناظر به مودت اهل بیت رسول خداست (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۳-۴۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۱-۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۷). همچنین گزارش شده است که محمد بن مسلمه انصاری برای جشن عقد و ولیمه ازدواج علی ﷺ و فاطمه ﷺ کمک مالی کرد (ابن‌بکار، ۱۴۱۶، ص ۳۷۵-۳۷۶) و حارثه بن نعمان انصاری نیز منزلش را برای سکونت در اختیار امیر مؤمنان ﷺ قرار داد (ابن‌بکار، ۱۴۱۶، ص ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۱). پس از شهادت حمزه در جنگ احد نیز، از آنجاکه او در مدینه خویشاوندی نداشت، زنان مدینه بر جنازه‌اش گریستند و نوحه‌سرایی کردند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳۲). همچنین انصار با اسیران مشرکان رفتاری انسانی داشتند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴۵؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۹).

یاری انصار به مهاجران و رفتار صمیمانه با آنان بر اساس پیمان اخوت (ر.ک: ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۶)، به حدی رسید که برخی پنداشتند وارث یکدیگرند (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۷۱)؛ حتی بنا بر پاره‌ای روایات ذیل لیه ۷۲ سوره انفال، مهاجران و انصار تا مدتی از یکدیگر ارث می‌بردند (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۶۲؛ بحرانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۷۱۶)، تا آنکه حکم ارث در لیه ۷۵ همان سوره به «اولی الارحام» اختصاص یافت (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۶-۳۷).

با ساخته‌شدن بنای صفا و زیادشدن مهاجران فقیر ساکن در آنجا (اصحاب صفا) (ابن‌سعد،

۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ ← مقاله اصحاب، انصار کمک‌های غذایی خود را به آنجا می‌فرستادند (ر.ک: ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۴۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۳۶). بنا به روایتی، آیه ۲۶۷ سوره بقره، که در آن مؤمنان امر به انفاق شده‌اند و به آنها گوشزد شده که خداوند از شما بی‌نیاز است، درباره انصار و کمک‌های آنان نازل شده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۶؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۹۰).

انصار زمین‌هایی را برای واگذاری به مهاجران در اختیار پیامبر ﷺ می‌گذاشتند، و او با عقد مزارعه آن زمین‌ها را در اختیار مهاجران قرار می‌داد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۲). این زمین‌ها به اقطاع‌النبی معروف شد (عظیم‌آبادی، ۸، ص ۲۲۴). طبق روایتی از کلینی، رسول خدا ﷺ پیمانی مبنی بر احترام به همسایه، میان مهاجر و انصار بست که از همسایگی و سکونت جمعی آنان حکایت می‌کند (۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۶۶). حمایت انصار از مهاجران تا سال چهارم هجرت و زمان تبعید بنی‌نضیر از مدینه ادامه یافت. در این زمان انصار از پیامبر ﷺ خواستند که زمین‌های به‌دست‌آمده از یهودیان را میان مهاجران تقسیم کند و مهاجران همچنان در اموال انصار شریک باقی بمانند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۹). به تصریح آیه ۹ سوره حشر انصار در دل خود هیچ نیاز و تمایلی به اموال بخشیده‌شده به مهاجران احساس نمی‌کردند و حتی آنان را بر خود ترجیح می‌دادند «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۸، ص ۲۸-۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۶۹). البته تعصبات قبیله‌ای برجامانده از عصر جاهلی میان عرب‌های مهاجر و انصار ساکن مدینه (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۱-۳۲؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۴۷) گاهی موجب بروز اختلافات و شعله‌ورشدن تعصب‌های قومی و نژادی در نبردها و وقایعی چون نبرد بنی‌المصطلق و بنی‌قریظه می‌شد (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۰؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۷). همچنین فتنه عبدالله بن‌ابی و حسان بن‌ثابت انصاری در واقعه افک (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۳۵-۴۳۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۷۴) از همین دست بود که با میانجیگری پیامبر ﷺ خاموش شد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ ← مقاله افک).

در کنار انصار که از یاری رسول خدا ﷺ و مهاجران دریغ نمی‌کردند، منافقانی نیز حضور داشتند که در موارد متعدد ضد پیامبر ﷺ و دیگر مسلمانان اقدام می‌کردند، از جمله ثعلبه بن حاطب انصاری که متهم به شرکت در ساختن مسجد ضرار (توبه: ۱۰۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۷۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۷-۱۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۰۹) و توطئه ترور رسول خدا ﷺ در عقبه تبوک (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۰۳، ۱۰۴۵) و نیز پرداخت نکردن زکات واجب بود (توبه: ۵۸، ۷۷-۷۵؛ واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۶۴-۱۰۶۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۸۲).

نقش انصار در جنگ‌های پیامبر

انصار مردمانی شجاع بودند (ابن ابی‌الحلید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۰۷)، چنان‌که بر اساس اخبار تاریخی، به سبب ایستادگی اوس و خزرج (انصار) در برابر لشکرکشی تبع (پادشاه یمن) به یثرب، وی مجبور به سازش با آنان و ترک یثرب شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱-۲۲؛ ر.ک: طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۵). پس از بعثت نیز، زمانی که عامر بن طفیل، رسول خدا ﷺ را به جنگ تهدید می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۸۲)، پیامبر ﷺ از کفایت خدا و فرزندان قبیله (انصار) سخن گفت (ابن ابی‌الحلید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۱۸۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۹۴). همچنین علی بن ابی‌طالب در جنگ صفین پس از مشاهده سستی کوفیان در مقابل شامیان، شجاعت مثال‌زدنی انصار را به آنان یادآور شد و سپاهیان را نکوهش کرد (تقفی کوفی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۳۰).

انصار در همه نبردهای عصر پیامبر ﷺ حاضر بودند و از او در برابر دشمنانش حمایت مادی و معنوی کردند. آنان پشتوانه نظامی حکومت پیامبر ﷺ به شمار می‌آمدند و در راه دفاع از اسلام، از جان و مال خویش گذشتند (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۷؛ ابن خیاط، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲-۳۹). آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵ سوره آل عمران (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۷۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۷۷)، آیات ۷۷ و ۹۵ سوره نساء (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۹)، آیات ۷ تا ۱۲ سوره انفال (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۰۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷)، آیه ۳۹ سوره توبه (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۳۹) و آیه ۱۹ سوره حج (طبرسی، ۱۳۷۲،

ج ۷، ص ۱۲۴) که درباره جنگ بدر نازل شده‌اند، شامل انصار نیز می‌شوند. همچنین حضور انصار در نبردهایی چون بدرالموعد، سویق، خیبر، فتح مکه، موتة و تبوک در تفاسیر و کتب تاریخی و حدیثی آمده است (← مقاله جنگ‌های پیامبر).

پاسداری از مدینه پیش از کارزار احد (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷۸)، حفاظت از لشکر اسلام در شب جنگ احد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۱۵) و حتی حفاظت از پیامبر ﷺ در شب جنگ، برعهده انصار بود (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۱۴)، زیرا آنان چنان علاقه و محبتی به رسول خدا ﷺ داشتند که در مواقع خطر، سلامت او را مهم می‌دانستند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۶؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۸) و آن را بر سلامت فرزندان و بستگان خود ترجیح می‌دادند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۲۹). پیامبر ﷺ در جنگ احد، برخلاف نظر خود، در جنگ احد، جوانان انصار و برخی دیگر از مسلمانان پیشنهاد کردند که لشکر در بیرون شهر با دشمن روبه‌رو شود، و پیامبر ﷺ برخلاف نظر خود، پیشنهاد آنان را پذیرفت (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۳۳). زمانی که جان پیامبر ﷺ در این نبرد به خطر افتاد، علی رضی الله عنه و فرد سلحشوری از انصار به نام ابودجانه (سماک بن خَرَشَه) (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۱، ۲۴۶) در کنار برخی از مهاجران مانند زیدبن حارثه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۳) ← مقاله زیدبن حارثه) در دفاع از پیامبر ﷺ به استقبال شهادت رفتند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۴۲۰؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۵). پس از فرار مسلمانان در جنگ احد با تشویق انس بن نضر انصاری (آل‌عمران: ۱۲۲، ۱۵۳-۱۵۵؛ ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۴، ۸۸-۹۶)، گروهی از انصار به مشرکان حمله کردند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۱، ۲۸۰) ← مقاله منافقان). شهدای انصار در این جنگ، ۶۱ (ابن‌قتیبه دینوری، بی‌تا، ص ۱۶۰) تا هفتاد نفر (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۰) گزارش شده است (حلبی، ۲، ص ۳۴۶-۳۴۷).

از دیگر صحنه‌های ایثار و فداکاری انصار در نبردهای عصر پیامبر ﷺ، حفاظت سیصد

انصاری از مدینه در غزوه غابه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۴۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۲) و تأمین غذای مسلمانان در جنگ بنی نضیر توسط سعد بن عباده (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۲) و در سریه ای دیگر توسط قیس بن سعد بود (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۷۴-۷۷۶). انصار در فتح مکه، مقاومت مشرکان را درهم شکستند و رسول خدا ﷺ را به کوه صفا رساندند (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۰۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۷۹). پذیرش نظر سعد بن معاذ (از بزرگان انصار) از جانب پیامبر ﷺ درباره ادامه نبرد خندق (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۷۸؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۲۵۳) و داوری او درباره سرنوشت بنی قریظه (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۱۴۰) و نیز شهادت عبدالله بن رواحه انصاری در جنگ موته (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۶۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۷) نشان از نقش و جایگاه مهم انصار در نبردهای عصر پیامبر ﷺ دارد.

در برخی نبردهای رسول خدا ﷺ مانند بئر معونه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۷) و سریه فُلس، همه مجاهدان از انصار بودند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۸۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۲۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۵-۴۶). برخی مفسران، آیه ۱۶۹ سوره آل عمران را در ستایش شهدای بئر معونه دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۱۵؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۱). همه هفتاد شهید بئر معونه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۷۷)، شش شهید نبرد خندق (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۵-۴۹۶؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۱)، بیش از پانزده شهید فتح خیبر (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۰۰؛ ابن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۳۸-۳۹) و همه شهدای حنین از انصار بودند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۲۲) که با ندای یاری طلبی پیامبر ﷺ از او دفاع کردند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۹۷-۸۹۸؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۷۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۹-۳۰). انصار به غنایم گرفته شده از مشرکان و نحوه توزیع و تقسیم آن بی توجه بودند، و از همین رو پیامبر ﷺ آنان را دعا کرد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۱۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۳۲-۲۳۳) و مسلمانان را به رعایت حقوقشان سفارش کرد (ابن عبید جوهری، ۱۴۱۷، ص ۸۵؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۲۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۰۳). پس از جنگ

حنین، انصار از تصمیم رسول خدا ﷺ بر ماندن در مدینه (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰-۳۱) خوشحال شدند، زیرا پیش از آن گمان می‌کردند پیامبر ﷺ به میان قوم خود در مکه باز خواهد گشت (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۸؛ ابن ابی شیبہ کوفی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۲۷).

در جنگ تبوک کعب بن مالک انصاری و چند تن دیگر از انصار در زمره متخلفانی بودند که بدون دلیل موجه از رفتن به نبرد خودداری کردند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۷؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۶۴)، اما پس از آنکه پیامبر ﷺ مسلمانان را از ارتباط با آنان منع فرمود، توبه کردند و توبه‌شان با نزول آیاتی (توبه: ۹۴-۹۶، ۱۱۷-۱۱۸) پذیرفته شد (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۲-۵۳۷؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۴۱-۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۰۴-۱۰۵، ۱۲۰). به دلیل خدمات و ایثارگری‌های انصار که خداوند در آیه ۹ سوره حشر به آنها اشاره کرده است، پیامبر ﷺ بارها خشنودی خود را از آنان در قالب اوصافی چون «محبوب‌ترین افراد نزد من» و «یاران نزدیک و خاص من» ابراز کرد و بر درستی و حق بودن راه انصار تأکید فرمود (نسائی، ۱۴۰۵، ص ۶۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۸۰).

انصار پس از رحلت پیامبر ﷺ

طبق پاره‌ای گزارش‌ها پیامبر ﷺ انصار را به بردباری و صبر در برابر ظلم‌ها و حوادث پس از خود فرا خوانده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۹۴). پس از رحلت رسول خدا ﷺ انصار در مقابل اقدامات مهاجران برای به دست گرفتن منصب خلافت، اجتماع سقیفه بنی ساعده را تشکیل دادند و درخواست امیری از جانب خود داشتند (نهج البلاغه، خطبه ۶۷۱، ص ۱۱۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۳)، اگرچه از همان ابتدا شواهدی بر باور برخی از آنان به امامت و خلافت بلا فصل امام علی ﷺ وجود داشت، از جمله: بستن پیمان با امیر مؤمنان ﷺ برای یاری آن حضرت (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۶؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۹۴)، نام بردن از علی ﷺ به عنوان وصی رسول خدا ﷺ در اشعارشان (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۸؛ مفید، ۱۴۱۴، ص ۲۵۹، ۲۶۷)، مقابله با مهاجران (ابن بکار، ۱۴۱۶، ص ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷-۵۹۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳؛ ابن طاووس،

۲۴۳)، و اعتراض به خلیفه اول (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۴۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۵-۸۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۱-۵۲). باین همه بی وفایی انصار و تشکیل سقیفه و کوتاه آمدن در ماجرای انتخاب خلیفه و حمایت نکردن از حضرت فاطمه علیها السلام را باید از رفتارهای نادرست آنان برشمرد، چنان که آن حضرت در خطبه فدکیه از سکوت انصار در برابر پامال کردن حق اهل بیت علیهم السلام (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۲۱۲؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸۹؛ امین عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۷) و غصب خلافت و گرفتن فدک گلایه کرد (ر.ک: دانشنامه فاطمی، مقاله فدک و خطبه های فاطمه علیها السلام).

در دوره خلفای نخست، سهم درخور توجهی از اداره امور، جز شرکت در فتوحات، به انصار واگذار نشد (ر.ک: مقدسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۹). حتی خلیفه دوم پیشنهاد انصار برای جمع آوری قرآن توسط آنان را نپذیرفت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۰۶). در زمان خلیفه سوم، انصار از نخستین معترضان به اعمال خلاف و ناعادلانه او بودند (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۵۳۶؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۶۵). آنان همواره در فقر به سر می بردند و تحقیر می شدند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۹، ص ۱۶۹؛ سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۱). اولین بیعت کنندگان با امام علی علیه السلام در آغاز خلافتش، بزرگانی از انصار بودند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۷۹) و در جنگ های زمان آن حضرت شرکت کردند. چنان که در نبرد جمل، حضور هفتصد انصاری در سپاه حضرت علی علیه السلام ثبت شده (ابن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۱۱۰؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۲۳۳) و همه آنان در کارزار صفین مقابل معاویه ایستادند (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷۱؛ ابن اثیر، ۵، ص ۲۰۶). امیر مؤمنان علیه السلام به حمایت انصار در کنار مهاجران و داخل بودن آنان در شورای مسلمین و زحمات آنان برای پیشبرد اهداف اسلامی اشاره کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲، ص ۲۳۰-۲۳۱)، نامه ۶، ص ۷؛ ابن اعمش کوفی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۰۶).

در فاجعه حرّه بسیاری از مردم مدینه به دستور یزید کشته شدند و از بقیه آنان به عنوان بردگان یزید بیعت گرفته شد (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ مسعودی، بی تا، ص ۲۶۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۴۶؛ ج ۱۴، ص ۱۵۳-۱۵۴). چهار تن از انصار و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در میان کشتگان این فاجعه بودند (ر.ک: مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۴۶؛ ج ۱۴، ص ۱۵۴).

منايع و ماخذ

١. ابن ابي الحديد، عزالدين (م.٦٥٦ق)، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: دارالكتب العلمية، ١٤٠٤ق.
٢. ابن ابي حاتم، عبدالرحمن بن محمد (م.٣٢٧ق)، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن ابي حاتم)، تحقيق: اسعد محمد طيب، بيروت: مكتبة العصرية، ١٤١٩ق.
٣. ابن ابي شيبة كوفي، عبدالله بن محمد (م.٢٣٥ق)، المصنف في الاحاديث والآثار، تحقيق: سعيد لحام، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ق.
٤. ابن ابي عاصم، احمد بن عمرو (م.٢٨٧ق)، الأحاد والمثاني، تحقيق: باسم فيصل احمد، دارالدرية، ١٤١١ق.
٥. ابن اثير، مبارك بن محمد (م.٦٠٦ق)، النهاية في غريب الحديث والاثر، تحقيق: طاهر احمد الزاوي، محمود محمد طناحي، قم: انتشارات اسماعيليان، ١٣٦٤ش.
٦. ابن اثير جزري، علي بن محمد (م.٦٣٠ق)، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ق؛ الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر، ١٣٨٦ق.
٧. ابن اعثم كوفي، احمد بن علي (م.٣١٤ق)، الفتوح، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالاضواء، ١٤١١ق.
٨. ابن بكار، زبير (م.٢٥٦ق)، الاخبار الموقفيات، تحقيق: سامي مكى، قم: الشريف الرضى، ١٤١٦ق.
٩. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي (م.٥٩٧ق)، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، تحقيق: محمد و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٢ق.
١٠. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م.٨٥٢ق)، الاصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل احمد، علي محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١١. ابن حزم اندلسي، علي بن احمد (م.٤٥٦ق)، جمهرة انساب العرب، تحقيق: گروهى از علماء، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
١٢. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (م.٨٠٨ق)، تاريخ ابن خلدون (ديوان المبتدأ والخبر)، تحقيق: خليل شحادة، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٨ق.
١٣. ابن خياط، خليفة عصفري، تاريخ خليفة بن خياط، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
١٤. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
١٥. ابن سيد الناس، محمد بن محمد، عيون الاثر في فنون المغازي والشمال والسير، تحقيق: ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دارالقلم، ١٤١٤ق.
١٦. ابن شبه نميري، عمر بن شبة، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهم محمد شلتوت، قم: دارالفكر، ١٤١٠ق.

۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق)، متشابه القرآن ومختلفه، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۱۰ق؛
۱۸. _____، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۱. ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، کشف المحجّة لثمرّة المهجّة، تحقیق: محمد حسن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۱۹. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (م. ۲۸۰ق)، بلاغات النساء، قم: مکتبه بصیرتی.
۲۰. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. ۴۶۳ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاح، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۲۱. ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۲۲. ابن عبید جوهری، علی بن جعد، مسند ابن الجعد، تحقیق: عامر احمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۴. ابن فارس، احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (م. ۲۷۶ق)، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، قاهره، دارالمعارف.
۲۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق)، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۲۷. _____، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م. ۲۷۵ق)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر.
۲۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (م. ۷۱۱ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳۰. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، تهران: انتشارات مروی، ۱۳۹۳ق.
۳۱. ابن هشام، عبدالملک حمیری، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۳۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (م. ۳۵۶ق)، الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۳۲. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.
۳۳. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۴. احمد بن حنبل، شیبانی (م. ۲۴۱ق)، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
۳۵. اربلی، علی بن عیسی (م. ۶۹۳ق)، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

٣٦. ازرقى، محمد بن عبدالله (م. ٢٤٨ق)، اخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، تحقيق: رشدى صالح، بيروت: دارالاندلس، ١٤١٦ق.
٣٧. امين عاملى، سيد حسن (م. ١٣٦٨ق)، مستدركات اعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف، ١٤١٨ق.
٣٨. بحراني، سيد هاشم حسيني (م. ١١٠٧ق)، البرهان فى تفسير القرآن، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
٣٩. بخارى، محمد بن اسماعيل (م. ٢٥٦ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ق.
٤٠. بلاذرى، احمد بن يحيى (م. ٢٧٩ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق؛ فتوح البلدان، بيروت: دار ومكتبة الهلال، ١٩٨٨م.
٤١. بيهقى، احمد بن حسين (م. ٤٥٨ق)، دلائل النبوة ومعرفة احوال صاحب الشريعة، تحقيق: عبد المعطى قلجى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٤٢. ترمذى، محمد بن عيسى (م. ٢٧٩ق)، سنن الترمذى، تحقيق: عبد الوهاب عبداللطيف، عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٤٣. ثعلبى، احمد بن ابراهيم، الكشف والبيان فى تفسير القرآن (تفسير ثعلبى)، تحقيق: ابن عاشور، ساعدى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
٤٤. ثعلبى، احمد بن ابراهيم (م. ٤٢٧ق)، الكشف والبيان فى تفسير القرآن (تفسير ثعلبى)، تحقيق: ابن عاشور، ساعدى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
٤٥. تقفى كوفى، ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق: حسيني ارموى، قم: دارالكتاب الاسلامى، ١٤١٠ق.
٤٦. جصاص، احمد بن على (م. ٣٧٠ق)، احكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
٤٧. جمحى، محمد بن سلام، طبقات فحول الشعراء، تحقيق: محمود محمد شاکر، جده، دارالمدنى، ١٤٠٠ق.
٤٨. جواد على (م. ١٤٠٨ق)، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، دارالساقى، ١٤٢٢ق.
٤٩. جوهرى بصرى، احمد بن عبدالعزيز (م. ٣٢٣ق)، السقيفة وفلك، تحقيق: محمد هادى امينى، بيروت: شركة الكتبى، ١٤١٣ق.
٥٠. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله (م. ١٠٦٧ق)، كشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون، تحقيق: سيد شهاب الدين مرعشى نجفى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٥١. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت: دارالمعرفة.
٥٢. حلبى، على بن برهان (م. ١٠٤٤ق)، السيرة الحلبية، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٠ق.
٥٣. حمزه اصفهاني، حمزة بن حسن، تاريخ سنن ملوك الارض والانبياء، بيروت: دار مكتبة الحياة، بى تا.

٥٤. خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ٤٦٣ق)، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٧ق.
٥٥. دروزه، محمد عزة (م. ١٤٠٤ق)، التفسیر الحدیث، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ١٤٢١ق.
٥٦. ذهبی، محمد بن احمد (م. ٧٤٨ق)، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤١٣ق.
٥٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م. ٥٠٢ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: الدار الشامیة، ١٤١٢ق.
٥٨. زمخشری، محمود بن عمر (م. ٥٣٨ق)، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٧ق؛
٥٩. _____، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٠٧ق.
٦٠. سمرقندی، نصر بن محمد (م. ٣٧٥ق)، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دارالفکر، ١٤١٦ق.
٦١. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان، ١٤٠٨ق.
٦٢. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ٢٠٠٦م.
٦٣. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محیی الدین عبدالحمید، قم: الشریف الرضی، ١٤١١ق.
٦٤. _____، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
٦٥. صالحی شامی، محمد بن یوسف (م. ٩٤٢ق)، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٤ق.
٦٦. صدوق، محمد بن علی (م. ٣٨١ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ١٤٠٣ق.
٦٧. طباطبائی، سید محمد حسین (م. ١٤٠٢ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ١٤١٧ق.
٦٨. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق: سید محمد باقر خراسان، مشهد، نشر المرطضی، ١٤٠٣ق.
٦٩. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٧ق.
٧٠. _____، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: ابوالقاسم گرجی، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٧٧ش.
٧١. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٧٢. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل، بیروت: دارالتراث، ١٣٨٧ق.
٧٣. _____، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: صدقی جمیل، بیروت: دارالفکر، ١٤١٥ق.

٧٤. طوسي، محمدبن حسن (م. ٤٦٠ق)، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: احمد حبيب قصير عاملي، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٧٥. عظيم آبادي، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابى داوود، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٧٦. عياشي، محمدبن مسعود، كتاب التفسير، تحقيق: رسولى محلاتي، تهران: چاپخانه علميه، ١٣٨٠ق.
٧٧. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، تحقيق: مهدي مخزومي، قم: مؤسسة دارالهجرة، ١٤١٠ق.
٧٨. فيض كاشاني، محسن بن مرتضى (م. ١٠٩١ق)، تفسير الصافي، تهران: انتشارات صدر، ١٤١٥ق.
٧٩. قرطبي، محمدبن احمد (م. ٦٧١ق)، الجامع لاحكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
٨٠. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، تحقيق: سيدطيب موسوى جزائرى، قم: دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
٨١. كليني، محمدبن يعقوب، الكافي، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش.
٨٢. كوراني عاملي، على، تدوين القرآن، قم: دارالقرآن الكريم، ١٤١٨ق.
٨٣. ماتريدى، محمدبن محمد (م. ٣٣٣ق)، تأويلات اهل السنة (تفسير ماتريدى)، تحقيق: مجدى باسلوم، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٦ق.
٨٤. مراغى، احمدبن مصطفى (م. ١٣٧١ق)، تفسير المراغى، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٨٥. مسعودى، على بن حسين، اثبات الوصية للامام على بن ابى طالب عليه السلام، قم: انتشارات انصارى، ١٤٢٣ق.
٨٦. _____، التنبيه والاشرف، تحقيق: عبدالله اسماعيل صاوى، قاهره: دارالصاوى.
٨٧. مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. ٢٦١ق)، صحيح مسلم، بيروت: دارالفكر.
٨٨. مفيد، محمدبن محمد (م. ٤١٣ق)، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، بيروت: دارالمفيد، ١٤١٣ق.
٨٩. _____، الفصول المختارة، تحقيق: سيدعلى ميرشريفى، بيروت: دارالمفيد، ١٤١٤ق.
٩٠. مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل بن سليمان، تحقيق: محمود شحاته، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٣ق.
٩١. مقدسى، محمدبن احمد (م. قرن ٤)، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، قاهره: مكتبة مدبولى، ١٤١١ق.
٩٢. مقدسى، مطهر بن طاهر (م. ٣٥٥ق)، البدء والتاريخ، تحقيق: بورسعيد، مكتبة الثقافة الدينية.
٩٣. مقرئى، احمدبن على (م. ٨٤٥ق)، امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع، تحقيق: محمد عبدالحميد نميسى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
٩٤. نسائى، احمدبن شعيب (م. ٣٠٣ق)، فضائل الصحابة، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٩٥. نووى، محبى الدين بن شرف (م. ٦٧٦ق)، المجموع شرح المهذب، دارالفكر.
٩٦. نويزى، احمدبن عبدالوهاب، نهاية الارب فى فنون الادب، قاهره: دارالكتب والوثائق القومية، ١٤٢٣ق.

۹۷. شریف‌رضی، نهج البلاغه، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، شرح: محمد عبده، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۹۸. نهروانی، محمد بن احمد، تاریخ المدینة، تحقیق: محمد عزب، مصر: مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۱۶ق.
۹۹. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۱۰۰. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۱۰۱. هروی، قاسم بن سلام (م. ۲۲۴ق)، النسب، تحقیق: مریم خیرالدرع، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۰۲. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (م. ۶۲۶ق)، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
۱۰۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. ۲۹۲ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
104. Afsaruddin, Asma, "Sabiqa", in: The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Oliver Leaman, New York: Routledge, 2006.
105. Al-Faruque, Muhammad, "Emigrants and Helpers", in: Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
106. Atay, Rifat, "Islam", in: The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Oliver Leaman, New York: Routledge, 2006.
107. Kern, Linda L., "Companions of the Prophet", in: Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
108. Mottahedeh, Roy P., "Brother and Brotherhood", in: Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.

